

**The right to a lawyer in criminal proceedings from the point of view of criminal policy patterns**

**Abstract**

The realization of the basic and essential rights of the defendant in benefiting from free lawyers, which are selectable and adoptive, are from the basic effects of citizenship rights and is one of the most natural features of a fair trial. In various criminal policy models and numerous international documents, criminal policymakers have frequently and typically identified extra-legislative, legislative and sub-legislative of a person's right who is in charge for obtaining and be supported of a lawyer, but when dealing with this, the issue faces too many legal problems and restrictions. In this regard, this study examines the status and means provided to support this worthy human right as one of the influential factors in the fundamental rights of citizenship in ensuring a fair trial in criminal matters from the perspective of criminal policy models with emphasis on liberal and authoritarian model and comprehensive authoritarianism, in addition to examining the contrast between two views and opposing views on the criteria for having a lawyer for a fair trial, finally by considering and exploring the ambiguities and challenges of having an attorney and in general all the restrictions that may be under the pretext of consideration for investigations or observations of security, etc. will cause damage to the fundamental rights of the person being monitored or in charge of being involved in criminal policy models, especially the power-oriented criminal policy model during the trial.

**Keywords:** fair trial\_ attorney\_ authoritarian\_ liberal\_ criminal policy models.

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.270826.1494>

حق برخورداری از وکیل در فرایند کیفری از نقطه نظر الگوهای سیاست جنایی

علی فرهنگ<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۴

علیرضا ساییانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

امیرحسن نیازپور<sup>۳</sup>

### چکیده

محقق شدن حقوق اساسی و ضروری متهم در بهره مندی از وکلای رایگان، قابل گزینش و منتخب از آثار اساسی حقوق شهروندی و جزء طبیعی‌ترین خصلت‌های دادرسی عادلانه است. در الگوهای سیاست جنایی مختلف و اسناد بین‌المللی متعدد متولیان سیاست جنایی غالباً و به طور معمول مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی حق شخص در مظان اتهام در دستیابی به وکیل دادگستری و پشتیبانی از آن را مورد شناسایی قرار داده‌اند، اما در هنگام اجرا حق مطروحه با معضلات و محدودیت‌های قانونی کثیری مواجه می‌باشد. به این صورت این پژوهش به بررسی جایگاه و اسباب فراهم شده در راستای حمایت از این حق والای انسانی به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در حقوق بنیادین شهروندی در تضمین دادرسی عادلانه در امر کیفری از منظر الگوهای سیاست جنایی با تاکید بر الگوی لیبرال و اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر به انضمام بررسی تقابل دو دیدگاه و نگاه متضاد نسبت به معیارهای برخورداری از وکیل در راستای دادرسی عادلانه در نهایت با تامل و واکاوی ابهامات و چالش‌های برخورداری از وکیل مدافع و به طور کلی تمامی تضییقاتی که ممکن است به بهانه رعایت اصل محرمانه بودن تحقیقات و یا مراعات امنیت و ... سبب لطمه به حقوق بنیادی شخص تحت نظر یا در مظان اتهام در الگوهای سیاست جنایی علی‌الخصوص الگوی سیاست جنایی قدرت‌مدار در جریان دادرسی خواهد پرداخت.

کلیدواژه‌ها: اقتدارگرا، الگوهای سیاست جنایی، دادرسی عادلانه، لیبرال، وکیل مدافع.

<sup>۱</sup> گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.<sup>۳</sup> استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

رویکرد حق بهره مندی از وکلای مدافع گزینشی، قابل انتخاب و رایگان در فرایند کیفری امری حیاتی جهت برقراری دادرسی عادلانه و از ضروریات تمامی الگوها و نظام‌های سیاست جنایی اعم از آزادی محور و قدرت مدار بوده و مبانی بنیادین آن در بطن معیارهای دادرسی عادلانه، حقوق شهروندی و اسناد مهم حقوق بشری چه در سطح جهانی و چه منطقه‌ای شناسایی گردیده است. الزامات حاکم بر این حق ایجاب می‌نماید که متولیان نظام عدالت کیفری از اخذ تصمیم‌های محدود کننده این امر اجتناب نموده و در جهت پاسداری از آن تمامی امکانات را به منظور دفاع در اختیار متهم قرار داده تا او بتواند بی‌گناهی خود را ثابت نموده یا دست کم از محکومیت بیشتر از استحقاقش جلوگیری نماید. تمامی نهادهای واکنش اجتماعی علی‌الخصوص نظام عدالت کیفری در کلیه الگوهای سیاست جنایی در مسیر اجرای عدالت ملزم به رعایت این حق و پاسداری از آن در مقررات تقنینی و فرائقینی و الزامات ناشی از آن در کلیه مراحل دادرسی و اجرای حکم می‌باشند. (نیازپور، ۱۳۸۷: ۲۰۵) به این صورت حق برخوردارگی از وکیل را باید یکی از شروط اصلی (دادرسی کرامت محور) دانست. (Soo, 2015: 121)

مع الوصف آنچه تقویت کننده ضرورت تحقیق و امعان نظر در حوزه مزبور می‌باشد، اهمیت جایگاه وکیل مدافع در برقراری دادرسی عادلانه و اجتناب از ایجاد و محدودیت در این زمینه با توجه به وابسته بودن حق دفاع شایسته به حضور وکیل انتخابی و تاکید حقوق شهروندی و اسناد بین‌المللی به این حق در راستای برقراری دادرسی منصفانه و اجرای عدالت در تمامی مراحل دادرسی می‌باشد؛ نقطه عطف در توجیه ضرورت مساله رویکردهای متفاوت و بعضاً متضاد در نظام‌هایی مختلف سیاست جنایی بر حسب درون مایه و مدل حکومت است، رویکردهایی که می‌توان آنها را به آزادی مدار و قدرت محور تقسیم نمود. (مهدی پور، نقیبی، ۱۳۹۵: ۲۲)

با توجه به مطالب بیان شده پرسش‌های مهم این است که آیا حق برخوردارگی از وکیل مدافع به عنوان معیاری برای دادرسی عادلانه در الگوهای سیاست جنایی با محوریت الگوی سیاست جنایی لیبرال و اقتدارگرا به رسمیت شناخته شده است؟ همچنین حق مذکور در عمل و در مقام اجرا با چه مشکلاتی مواجه می‌باشد؟ پاسخ به پرسش‌های فوق نخست نیازمند بررسی مبانی حق مذکور از دیدگاه دادرسی منصفانه و در ثانی نیازمند تفکیک رویکردهای گوناگون و بعضاً متضاد سیاست جنایی و بررسی افتراقی هر رویکرد در جایگاه خود می‌باشد، بر این اساس و همگام با دادرسی عادلانه حق برخوردارگی از وکیل مدافع شرط اساسی برابری سلاح‌ها، تناظری و توافقی نمودن دادرسی می‌باشد. حق بهره مندی از وکیل همگام با حقوقی همچون حق ملاقات با پزشک، حق داشتن مترجم، حق ارتباط با کنسول و حق آگاهی از تمامی حقوق دفاعی نقش برجسته‌ای در آشکار شدن حقیقت، آگاه ساختن اصحاب دعوا، برقراری حاکمیت قانون، پیشگیری از برقراری رویکردهای امنیت مدارانه و پلیسی، جلوگیری از جرایم حکومتی و نوع سازمان یافته آن به معنای (جرایم علیه دادرسی عادلانه) همچون بدرفتاری و شکنجه شخص در مظان اتهام، ساختن ادله دروغین و

دلیل زدایی و .... در الگوهای سیاست جنایی اقتدار گرا و قدرت محور خواهد داشت. از منظر الگوهای سیاست جنایی اعمال رویکرد حق بهره مندی از وکیل در کشورهای مبتنی بر الگوی قدرت مدار تفاوت زیادی با نقش وکیل در کشورهای دارای الگوی آزادی مدار خواهد داشت که این تمایز خود ناشی از رویکرد منفعل الگوی سیاست جنایی قدرت مدار به صورت امنیت گرایی بی حد و مرز و مخدوش نمودن اصل قانونمندی و قربانی نمودن آزادی‌های مشروع و اصول دادرسی منصفانه و حق بنیادین دسترسی به وکیل در نقطه مقابل مختصات متفاوت الگوی آزادی محور به طریق بایستگی حق دسترسی به وکیل حتی برای متهمانی که استفاده از این حق با واقعیت اقتصادی زندگی آنان غالباً همخوانی نداشته و دولت به هزینه خود برای آنان وکیل تسخیری یا مشاور حقوقی معاضدتی معین می‌نماید که این امر خود در راستای شاخص های الگوی آزادی مدار در جهت دفاع متهم برای اثبات بی گناهی یا کاهش محکومیت بیش از استحقاق می‌باشد.

بر این اساس این پژوهش با شیوه‌ی تحقیق توصیفی - تحلیلی و کتابخانه‌ای با بهره گیری از کتب، مقالات و اسناد بین المللی به دنبال بررسی مبانی حق داشتن وکیل مدافع در الگوی آزادی مدار به طریق ارزیابی مولفه‌ها و شاخص‌های الگوی آزادی مدار در راستای تاکید بر چگونگی توجه به حق داشتن وکیل مدافع در الگوی مذکور بوده (بخش اول) همچنین تبیین حق داشتن وکیل مدافع در الگوی قدرت مدار به شکل واکاوی مولفه‌های الگوی قدرت مدار از طریق تعریف ماهیت و درون مایه مدل دولت اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر همراه با توجه به چگونگی حق دارا بودن وکیل در این الگو مطلوب می‌باشد (بخش دوم) و در آخر بیان نقاط ضعف و پیشنهادات عملی در عرصه فراملی و داخلی با توجه به ضرورت واکاوی جایگاه وکیل مدافع در دادرسی عادلانه در نظام‌های مختلف در پژوهش فراروی مورد بررسی نگارنده قرار می‌گیرد.

## ۱- حق داشتن وکیل در الگوی آزادی مدار

### ۱-۱- مولفه های الگوی آزادی مدار

لیبرالیسم از آغاز کوشش فکری به منظور تعیین حوزه خصوصی (فردی، خانوادگی و اقتصادی) در برابر اقتدار دولتی بوده و به عنوان ایدئولوژی از حوزه جامعه مدنی در برابر اقتدار دولت و بنابراین از دولت مشروطه و مقید به قانون و آزادی های فردی و حقوق مدنی، به ویژه مالکیت خصوصی، دفاع کرده است. (پولادی، ۱۳۹۹: ۱۰۹) آزادی در مفهوم لیبرالیستی به مفهوم بی بند و باری و امکان انجام هر عملی نامحدود نیست بلکه معنای آزادی را در این ایدئولوژی در دو مفهوم می توان جستجو کرد: ۱- آزادی از قید و بندهای ایدئولوژیک و استبدادی ۲- وجود قوانین شفاف و کارآمد برای جلوگیری تعدی شهروندان علیه یکدیگر و جلوگیری از موارد خودسری و تعدی حکومت علیه شهروندان، لیبرالها در زمینه حقوق مدنی و سیاسی شهروندان از حکومت قانون حمایت می کنند.

### ۱-۲- تعریف لیبرالیسم

ارائه یک تعریف دقیق و جامع از لیبرالیسم ناممکن است. اما با این حال تعریف های متعددی از سوی نظریه پردازان غربی ارائه شده است از جمله: شاپیرو می گوید: لیبرالیسم را می توان به طور دقیق نگرشی به زندگی و مسائل آن وصف کرد که تاکیدش بر ارزش هایی همچون آزادی برای افراد، اقلیت ها و ملت هاست (قوم، ۱۳۹۷: ۵۴). اصل اساسی لیبرالیسم خوش بینی به ذات انسان است. از نظر لیبرال ها انسان می تواند با کمک خرد و عقل خود بدون نیاز به راهنمایی دیگران و هیچ نیروی ماوراءالطبیعیه پیشرفت کند. از این رو از ابتدا با نفوذ کلیسا در شئون حکومت مخالفت نمود و سکولاریسم (جدایی دین و دولت) را مدنظر قرارداد. (شاپیرو، ۱۳۹۱: ۲۶).

### ۱-۳- بارزترین ارزش های لیبرالیسم

۱- آزادی: اعتقاد قوی به لزوم آزادی برای رسیدن به اهداف مطلوب و ویژگی مهم لیبرالیسم می باشد، (شاپیرو، ۱۳۹۱: ۲۹) انسان فطرتاً به آزادی تمایل داشته و می بایست از هر قیدی جز آنچه برای خود تعیین می نماید رها باشد (آربلاستر، ۱۳۹۲: ۱۱۱) برای مثال احکام اخلاقی و دینی به عنوان ارزش هایی از مافوق آزادی انسان را محدود می کنند (رجبی، ۱۳۹۵: ۴۷) و فرد باید حق داشته باشد اعتقادات خود را انتخاب نموده و ابراز این عقاید نیز برای عموم آزاد باشد و بتواند براساس آن امور عمل کند البته تا زمانی که با چارچوب قانون و حقوق سایر افراد در تزامن نباشد. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲: ۲۵۳)

۲- فردگرایی: از منظر فردگرایی شخص مقدم بر جامعه تلقی می گردد، علاوه بر این در مقابل جامعه یا هر گروه دیگری، برای شخص ارزش بالاتر از منظر اخلاقی قابل تصور است. بر طبق این دیدگاه خواست ها و حقوق فرد برتر از خواست های جامعه می باشد (قنبری، ۱۳۸۳: ۹۱)، در اصل فردگرایی ویژگی بارز شناسایی لیبرالیسم می باشد و سایر اصول لیبرالیسم همچون آزادی از این خصلت ناشی می گردند. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۲: ۲۵۳)

۳- سکولاریزم: به طور کلی به معنای جدایی بین دین و دنیا، به این صورت که آنچه متعلق به این جهان می باشد به همین اندازه هم از امور الهی و خداوندی دور است. (قنبری، ۱۳۸۳: ۹۱)

۴- تسامح و تساهل: این کلمه از منظر اصطلاحی بدین معناست که جامعه، دولت یا فرد نباید در اعمال و عقاید یکدیگر هرچند مورد تایید نباشد دخالت نماید، بنابراین طبق این مفهوم تحمیل عقاید به هیچ عنوان جایز نبوده و اساس امور مبتنی بر مدارا می باشد. (بشریه، ۱۳۹۸: ۴۲)

۵- خردگرایی: از منظر خردگرایی تمامی افراد خردمند بوده و توان تشخیص منافع خود را به بهترین شکل دارا می باشند و تاکید بر نیروی تحمل در راستای بهبود زندگی از ویژگی های بارز این خصلت می باشد. از این جهت اعتقاد به خرد فرد را از تسلط عادت و سنت رهایی می بخشد. (بصیرینیا، ۱۳۸۱: ۷۴)

۶- اومانیزم: بر طبق این اصل انسان همواره در مرکز و نقطه توجه آفرینش قرار گرفته و دارای اصالت محسوب می گردد پس شکوفایی و تحول انسان در قالب انسان گرایی مقدم بر هر امری دیگر خواهد بود. (براتعلی پور، ۱۳۸۱: ۸۲)

طبق آنچه گفته شد لیبرالیسم به مثابه اندیشه سیاسی مدرنیته دارای پایه و مایه‌ای است که آزادی بخش و مقوم آن است (بشریه، ۱۳۹۹: ۱۹)، نکته مهم اینکه خصلت‌های به کار رفته در این الگو می‌تواند حامل پیام کرامت مداری، مراعات حقوق فردی و پاسداری از اصل برائت برای بی‌گناهان بوده و به طور طبیعی با آیین دادرسی اتهامی دارای مشابهت بیشتری می‌باشد، پس آنچه از خصایص این الگو انتظار می‌رود تضمین حاکمیت قانون، مراعات حقوق شهروندان، برابری سلاح‌ها، و ایجاد مانع در برابر نقض قانون در نهایت تضمین حضور وکیل مدافع در دادرسی می‌باشد.

#### ۱-۴- چگونگی توجه به حق داشتن وکیل در الگوی آزادی مدار

مقررات بیشمار فراملی بر حق استفاده متهم از همراهی وکیل مدافع در جریان دادرسی تاکید دارد و تصریح شده که تمامی اشخاص بازداشت شده حق دارند از وکیلی قانونی بهره مند شوند. این حق تا حدی مهم می‌باشد که در اسناد دارای اعتباری همچون میثاق بین المللی حقوق مدنی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی پاسداری از حقوق و آزادی‌های بنیادین و اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی به کرات پیش بینی شده است، همچنین در موارد بسیاری از اعلامیه جهانی حقوق بشر مانند مواد ۵ و ۸ تا ۱۱ به حقوق فرد در مظان اتهام در دادرسی منصفانه و عادلانه اشاره شده است. (نیازپور، ۱۳۸۶: ۹۸) بند یک از اصل هفدهم از مجموعه اصول بیان نموده است که (هر شخص بازداشت شده باید حق بهره مندی از وکیل مدافع را داشته باشد و مقام صالح در دادرسی باید به سرعت و بلافاصله پس از دستگیری متهم را از حق داشتن وکیل مدافع آگاه سازد و سازوکارهای مناسب و متعارف برای انجام آن را در تمامی مراحل دادرسی فراهم کند). بنابراین حق بهره‌مندی از دادرسی منصفانه مستلزم همراهی وکیل در تمامی مراحل دادرسی از جمله در جریان تحقیقات مقدماتی و بازپرسی است. (مهدوی پور؛ نقیعی، ۱۳۹۵: ۱۶۲)

در ایالات متحده به عنوان مثالی از الگوی سیاست جنایی آزادی مدار اصلاحیه ششم قانون اساسی این کشور (به سال ۱۷۹۱) مقرر می‌دارد:

"در کلیه دادرسی‌های کیفری متهم از حق داشتن وکیل برای دفاع از خود برخوردار می‌باشد.

همچنین حقوق میراندا که در سال ۱۹۶۶ و در پرونده مسیحا به آن اشاره شده است طبق رای دادگاه بیان داشته که: "بعد از اتهام به جرم چنانچه بدون حضور وکیل باشد در دادگاه فاقد اعتبار می‌باشد" در پرونده‌های متعاقب نیز به این حق تصریح شده است همانند حقوق افراد بی‌بضاعت در قانون آمریکا که برای اشخاص معسر وکیل تسخیری تعیین شده و حق الزحمه آنان از محل بودجه عمومی تامین می‌شود. (Stoughton, 2009: 15)

در سایر دعاوی مانند دعوای میراندا مقابل آریزونا دیوان عالی یک قدم بیشتر رفت و چنین حکم کرد که در هنگام بازداشت افراد مشکوک افسران پلیس باید حقوق آنها را که در قانون اساسی آمده خاطر نشان کنند. و یکی از این حقوق حضور وکیل مدافع متهم در هنگام بازپرسی است و اینکه اگر قادر به گرفتن وکیل مدافع نیستند به هزینه ایالت از یک وکیل مدافع برخوردار خواهند شد.

به طور کلی تحولات کلیدی در امر حق دسترسی به وکیل در نظام لیبرال ایالات متحده را می توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- اصلاحیه ششم قانون اساسی، ۱۷۹۱، در تمامی دعاوی کیفری، متهم از حق داشتن مشاوره حقوقی برخوردار خواهد بود.

- پرونده گولت در دادگاه اطفال، ۱۹۶۷، بزهداران نوجوان در شمول حق موضوع اصلاحیه ششم قرار دارند. - دعوی فارتا به طرفیت ایالت کالیفرنیا، ۱۹۷۵، متهمان از حق دفاع از خود<sup>۱</sup> برخوردارند.

- دعوی استریکلند به طرفیت واشنگتن، ۱۹۸۴، حضور وکیل مدافع تنها در صورتی که رسیدگی ناعادلانه بوده و نتیجه متفاوت باشد، ناکارآمد تلقی می گردد.

- دعوی آلاباما به طرفیت شلتن، ۲۰۰۲، افراد معسر از حق داشتن وکیل تسخیری در دادگاه های ایالتی، فدرال و در مرحله تجدیدنظر خواهی برخوردارند حتی اگر برای بزه کوچک، با مجازات حبس تعلیقی روبرو شوند.

- دعوی رومیلا به طرفیت برد، ۲۰۰۵، مجازات مرگ نقض می گردد چون وکیل مدافع به بررسی سوابق و ادله موجود که می توانست هیئت منصفه را به مجازاتی غیر از اعدام قانع کند، اقدام نکرده بود.

- دعوی هالبرت به طرفیت میشیگان، ۲۰۰۵، متهمان معسر که اتهام خود را می پذیرند در مرحله تجدیدنظر به هزینه دولت ایالات متحده از حق داشتن وکیل تسخیری برخوردارند. (دبلیو نیوبور، ۱۳۸۹: ۲۷۴)

در سایر کشورهای آزادی مدار همچون فرانسه انتخاب وکیل برای شخص تحت نظر می تواند با چند روش انجام شود. نخست آنکه شخص تحت نظر رأساً وکیل خود را تعیین و مشخصات او را به ضابطان اعلام کند.

دوم اینکه در صورت عدم دسترسی به وکیل مورد نظر متهم شخص تحت نظر حق خواهد داشت از طریق کانون وکلای محل، تقاضای تعیین وکیل کند. در همه موارد، ضابطان مکلف هستند وکیل تعیینی یا معاضدتی

شخص تحت نظر یا وکیل کشیک را بلافاصله و با هر وسیله ممکن از این تقاضا آگاه کنند. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۰۸)

بازداشت شدگان نیز مخیرند در صورت تضاد در منافع، درخواست تغییر وکیل تسخیری را بنمایند.<sup>۳</sup> در نظام حقوقی فرانسه اگرچه مطابق مقررات، تحقیقات و مواجهات تحت نظارت پلیس قضایی انجام می

شود، در مدت جلسات استماع، شخص تحت نظر می تواند از حقوقی بدین شرح برخوردار شود: نخست به استناد بند ۱ ماده ۲-۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری وکیل می تواند در طول مدت تحقیقات از متهم، از

پرونده یادداشت برداری کند. دوم اینکه بر پایه این مقرر، وکیل می تواند پس از پایان هر تحقیقی که در آن شرکت داشته است، سوالاتی مطرح کند که برای روشن شدن حقیقت یا دفاع از متهم لازم است. سوم، وکیل می تواند با تقدیم لایحه ای که ضمیمه پرونده می شود مطالبی که برای کشف حقیقت و دفاع از موکل خود

یا اجرای قوانین لازم بداند را بیان کند. همچنین لایحه وکیل می تواند متضمن پرسش های حقوقی و قضایی باشد که از سوی پلیس با طرح آنها مخالفت شده است. ماده ۱-۳-۶۳ قانون آ.د.ک در بیان قاعده کلی حضور

وکیل را همراه متهم از ابتدای تحت نظر امکان پذیر دانسته است. شخص تحت نظر می‌تواند درخواست کند که در جلسات استماع و مواجهات یک نفر وکیل او را همراهی نماید. (آشوری؛ سپهری، ۱۳۹۲: ۹)

همچنین در حقوق فرانسه، طبق قانون وکلای مدافع دسترسی محدود به پرونده ندارند، بلکه دارای امکان دسترسی همه وقت و همیشگی به پرونده اند. علاوه بر این دسترسی وکیل به تمامی آنچه در پرونده آمده و به همه اوراق و محتویات آن مربوط است امکان پذیر می‌باشد. بنابراین نمی‌توان وکلا را از مطالعه برخی اوراق پرونده محدود و منع نمود. طبق این نظر دیوان عالی فرانسه، اگر از تاریخ مطالعه نمودن پرونده تا تاریخ اعمال بازجویی، اوراق جدیدی به پرونده اضافه شود، بازپرس بدون اطلاع شخص متتبع یا وکیل وی یا بدون رضایت آنان نمی‌تواند به آنها استناد نماید. از دیدگاه رویه قضایی عدم انجام این تکلیف سبب باطل شدن تحقیقات مقدماتی می‌شود. (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۱۰)

در نظام حقوقی ایران اما، از جمیع قوانین مستفاد می‌گردد که گرایش به رویکردی مختلط با غلبه به تضمین حق دفاع شایسته مبنای ناظر بر الگوی بهره‌مندی از وکیل مدافع می‌باشد، با این توضیح که در بیشتر مقررات همچون اصل ۳۵ قانون اساسی، مواد ۵، ۷، ۵۷، ۱۹۰، ۳۴۶ تا ۳۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری و سند امنیت قضایی مصوب ۹۹/۷/۱۶ اصول تضمین برخورداری از وکیل لحاظ گردیده اما در پاره‌ای از قوانین و مقررات نیز غلبه‌ی رویکرد امنیتی - پلیسی مشهود می‌باشد، (مختاری، ۱۳۹۳: ۲۴) مواردی همچون ماده ۴۸ (اصلاحی ۹۴)، تبصره ۱ ماده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی، ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری و بند پنجم متن (استجازه، ۱۳۹۷). البته آنچنان که بیان شد مجموع قوانین و مقررات در الگوی سیاست جنایی ایران ناظر بر رعایت موازین دفاع عادلانه و بهره‌مندی از وکیل مدافع بوده و ترجیح سیاست جنایی نیز بر این امر استوار است اما موارد محدودی نیز سیاست‌های تضییعی و تحدید اختیارات وکیل در برخی قوانین و مقررات وجود دارد که ناظر بر رویکردهای مختلط و افتراقی عمدتاً در جرایم سازمان یافته یا امنیتی در مراحل ابتدایی فرایند کیفری (دخالت ضابطین دادگستری و تحقیقات مقدماتی) در حوزه وکالت می‌باشد. (مهدوی پور؛ نقیبی، ۱۳۹۵: ۱۶۷) لازم به ذکر است که چنین سیاست‌هایی قادر خواهند بود در پاره‌ای موارد حافظ امنیت جامعه باشند اما در عین حال فاقد مبانی نظری قدرتمند و استدلال‌های حقوقی مکفی خواهند بود و بعضاً در سطوح ساختاری و فرایندی ناقض استقلال وکلا نیز می‌باشند. (دیباچی شیشوان؛ فخر، ۱۳۹۴: ۹۱)

## ۲- حق داشتن وکیل در الگوی قدرت مدار

### ۲-۱- مولفه‌های الگوی قدرت مدار

منظور از دولت اقتدارگرا دولتی مستبد می‌باشد که در حوزه سیاست جنایی از آن با عنوان اقتدارگرا یا اقتدارگرایی فراگیر یاد می‌شود و قدرت را به عنوان مهم‌ترین ابزار خویش در راستای امنیت‌گرایی افراطی به کار می‌بندد. (لوگوف، ۱۳۸۶: ۱۴۸)



باتوجه به اینکه دولتهای اقتدارگرا و اقتدارگرایی فراگیر به عنوان نقطه مقابل حکومت های مردم سالار ومدل مردم سالار سیاست جنایی تلقی شده و سیاست جنایی و شیوه حاکمیت برخی کشورها بر این اساس شکل گرفته است در ادامه به تبیین چستی، ویژگی ها، درون مایه و توالی فساد دو مدل مذکور خواهیم پرداخت.

## ۲-۲- دولت اقتدارگرا

از منظر علم سیاست دولت قدرت مدار دولتی می باشد که در آن قدرت سیاسی در گروه اقلیتی از سیاست مداران جمع گردیده باشد که این مساله عموماً نقطه مقابل آزادی خواهی است. خصیصه اقتدارگرایی در قدرت جمع شده و متمرکز می باشد که با سرکوب نمودن افراد مخالف تثبیت می گردد. همچنین قدرت مداری تاکید بر قانون حاکمیت دارد و نه اصل حاکمیت قانون، این الگو از حکومت عموماً دارای فرآیند انتخاباتی هم می باشد به این صورت که تصمیمات سیاسی از طرف عده ای منتخب از مسئولین و به صورت مخفیانه اتخاذ می گردد. در این نظام رهبری هم غالباً فردی خودخوانده است که حتی اگر توسط مردم هم انتخاب شده باشد با انتخاباتی آزاد توسط شهروندان قابل جایگزینی نخواهد بود و محروم نمودن توام با استبداد شهروندان از حقوق مسلم و آزادی های قانونی و تحمل نکردن مخالفین نیز از ویژگی های بنیادین این نوع از حکومت ها می باشد. در حالیکه ثبات قدرت سیاسی از طریق کنترل نیروهای مسلح و حمایت آنان ایجاد می شود، اشکال متنوع کنترل اجتماعی نیز برای در نطفه خفه کردن جامعه مدنی به کار گرفته می شود، (vestal,1999,19) دیگر ویژگی برجسته قدرت مداری تصدی سیاسی طولانی و نامحدود حزب حاکم یا رهبر یا قدرتهای دیگر می باشد. (kemmeleier,2003,304)

- با توجه به مبانی مذکور چند کشور تابع الگوی قدرت مدار در ذیل مطرح گردیده است:

۱- دولت چین اغلب یک دولت قدرت محور در نظر گرفته می شود. این حکومت تنها با یک حزب به نام حزب کمونیست چین اداره می گردد. سیاست ها در چین در جلسات سطح بالا اتخاذ می شود که در آنها ملت تاثیری در تصمیم ها ندارند.

۲- حکومت ویتنام نیز معمولاً قدرت مدار نامیده می شود. این کشور از سوی حزب کمونیست اداره می گردد که تنها حزب سیاسی این کشور می باشد. قوانین و سیاست ها جملگی به شکل یک طرفه از سمت حزب وضع می گردد و مردم در فرآیند اتخاذ تصمیم قدرتی ندارند همچنین هرگونه مخالفت سیاسی ممنوع می باشد و مخالفان به طور معمول دستگیر و زندانی می شوند و دولت عموماً آنها را به تهدید امنیت کشور یا براندازی یا کوشش جهت ساقط کردن دولت مردمی متهم می کند. (Treptow,1998,38)

۳- در روسیه نیز پس از گزارش های مکرر درباره جابجایی آرای انتخاباتی ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ خصلت های عمومی قدرت مداری در حال ایجاد است، اعتراضات مکرر مردمی نیز در ایجاد چنین وضعیتی بی تاثیر نبوده است، اعتراضاتی همچون تظاهرات به رهبری الکسی ناوالنی به دنبال بازداشت سرگئی فرگال فرماندار خاباروفسک (۲۰۲۰)، همچنین این وضعیت با وضعیتی مخلوط شده است که در آن حزب روسیه متحد از موقعیتی بالاتر برخوردار می باشد. در روسیه دادگاه ها به شکل درخور توجهی آرای جهت گیرانه صادر می

نمایند و مقرراتی وضع می شود که پیشبرد مخالفت با دولت را با مشکل مواجه نماید که همه اینها نشان از احتمال بروز قدرت مداری در روسیه دارد.

### ۳-۲- دولت اقتدارگرای فراگیر

در اصطلاح علوم سیاسی تمامیت خواه به نظام‌ها و حکومت هایی گفته می شود که خواهان فراگیر شدن نقش حکومت در همه جنبه های زندگی افراد جامعه هستند، همچنین توتالیتر، ایدئولوژی یا جنبشی است که طرفدار گسترش این نوع سیطره است، (رودی، ۱۳۶۷: ۳۹۸) در واقع چنین حکومتی دارای استبداد فراگیر است و این امر آن را از سایر گونه های نظام استبدادی جدا می کند. (عالم، ۱۳۹۳: ۲۲۰)

بدیهی است فاشیسم در ایتالیا، نازیسم در آلمان و کمونیسم در شوروی سابق که طرفدار بی قید و شرط کیفر و سرکوب گری بی رحمانه بودند در نقطه مقابل سیاست جنایی انسان مدار دفاع اجتماعی قرار داشتند (انسل، ۱۳۹۵: ۳۹) و از مصادیق مهم مدل سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر بودند. این دولت‌ها با توسعه حقوق کیفری مجرم مدار به دنبال تبدیل شدن مظنون به مقصر و حتی مجازات قصد مجرمانه بودند. کشور کره شمالی نیز یکی دیگر از موارد مدل سیاست جنایی اقتدارگرای فراگیر محسوب می شود که جامعه را ذیل حاکمیت گسترده و بدون انعطاف حکومت اداره می کند. (ظهیرنژاد ارشادی، ۱۳۸۱: ۲۲)

به عنوان نمونه در کره شمالی طبق اصول سوسیالیستی، وظیفه مهم عدالت کیفری کمک به حکومت کمونیستی، مجازات مخالفان اصول و یا رژیم کمونیستی و تربیت و آموزش مردم به عنوان یک کمونیست می باشد. طبق این امر نهادهای عدالت کیفری کره شمالی و بقیه ساختارهای امنیتی دارای چنین اهدافی هستند و وظیفه ای در حمایت از حقوق اشخاص و دارایی آنها ندارند. پس استقلال قضایی برای کنترل استفاده نادرست از قدرت توسط حکومت، امری فراموش شده می باشد و دادگاه ها برای هرگونه اقدام نسبت به مظنونان در فرآیند رسیدگی کیفری دست بازی دارند (مین وو یون، ۱۳۹۰: ۱۹۶) پس منطق قدرت امنیتی سرلوحه تدابیر پیشگیرانه قرار خواهد گرفت، امری که در جهت تقابل با نا امنی در نهایت به تورم کیفری منجر می شود و راهبرد پیشگیری از جرم دولت ها به جای رویارویی با عوامل اقتصادی و اجتماعی زمینه ساز جرم به ایجاد راه حل های کیفری و برخوردهای معمولی با بزهکاری می پردازد. (دارابی، نجفی توانا، ۱۳۹۵: ۲۰۱)

بطور کلی مهم ترین شاخصه های یک نظام اقتدارگرای فراگیر عبارت است از:

- ۱- پایبندی به هدف اساسی واحدی که با قاطعیت تدوین شده مثل صنعتی شدن، برتری نژادی یا اتحاد و همزمان عدم پایبندی به شیوه های حکومت ثابت
- ۲- نظارت و کنترل دولت بر همه بنیادهای اقتصادی، اجتماعی و حتی کنترل اخلاق خصوصی
- ۳- کاربرد وسیع خشونت سازمان یافته توسط نیروهای نظامی، شبه نظامی و پلیسی
- ۴- به راه آوردن یا سرکوب سازمانها و انجمن هایی که با هدف اصلی حکومت هماهنگ نیستند
- ۵- جلب مشارکت گسترده مردم در تشکیلات دولتی برای دستیابی به هدف واحد و معین

۶- جهان شمول ساختن هدف نظام از طریق ادعای بازسازی نوع بشر (اسپیرو، ۱۳۹۱: ۳۶)

بر طبق مطالب بیان شده آنچه واضح است مشابهت الگوی قدرت محور با آیین دادرسی تفتیشی است بنابراین در این الگو کارکرد اساسی همواره سرکوب جرم، سرعت در رسیدگی، فرض گناهکاری و استفاده از هر نوع وسیله‌ای حتی غیر قانونی و خلاف اخلاق و غیر مشروع به بهانه تامین امنیت و قانون برای شهروندان در جامعه در نهایت ایجاد مانع جهت دسترسی به وکیل می‌باشد.

## ۲-۴- چگونگی توجه به حق داشتن وکیل در الگوی قدرت مدار

طبق قانون چین به عنوان یک نظام اقتدارگرا، متهم در طول تحقیقات پلیس یا دادستانی حق استفاده از وکیل مدافع و مشاوره ندارد. چنین حقی زمانی به وی داده می‌شود که دادستان در دادگاه رسماً اتهاماتی را به وی وارد کند. محرومیت وکلا در مرحله تحقیق بر این اساس توجیه می‌شود که تحقیقات غالباً محرمانه می‌باشد، به همین خاطر شخص ثالثی نباید در آن دخالت داشته باشد. این عمل توسط بعضی از حقوقدانان چینی مورد انتقاد قرار گرفته است چرا که معتقدند در طی مرحله تحقیقات غالباً حقوق متهم نقض می‌شود. این نظریه منطقی است، زیرا اجازه دادن به شخصی برای کمک به رسیدگی قانونی هنگام تحقیقات پلیس، خصوصاً بعد از بازداشت شدن فرد، فعالیت پلیس را تحت نظارت دقیق قانونی قرار می‌دهد و از اینرو انگیزه‌های لازم برای انجام مناسب وظایف را فراهم می‌کند، همچنین حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی باعث جلوگیری از نقض دادرسی عادلانه می‌گردد.

طبق ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری چین، متهم می‌تواند در خواست کند که یک وکیل، خویشاوند و یا قیم از وی دفاع کند. همچنین متهم می‌تواند از یک شهروند بی طرف یا از شهروندی که دادگاه اجازه داده است، درخواست کند که از وی دفاع کند، حال این شهروندان می‌توانند وکیل باشند یا نباشند. بنابراین قانون آیین دادرسی بستگان، قیم و یا یک شهروند بی طرف را مانعی برای دفاع و حمایت از حقوق فرد نمی‌داند. به هر حال، آیین نامه مشترک جداگانه‌ای که توسط دیوان عالی کشور، وزارت دادگستری، وزارت امنیت عمومی و دادستان عالی صادر شده است مقرر می‌دارد که اگر این پرونده شامل اسرار دولتی یا اسرار خصوصی یک شخص باشد، آنگاه بستگان، سرپرستان یا شهروندان غیرمرتبط، باید از وکلای دارای مجوز باشند، همچنین وکلا باید توسط دادگاه تأیید شوند.<sup>۴</sup> نکته دیگر اینکه طبق قانون آیین دادرسی کیفری چین، از ژانویه ۱۹۸۰، دادگاه باید به متهم جنایی حقوقش را برای یافتن وکیل مدافع یا در صورت لزوم داشتن یک وکیل مدافع منصوب اعلام کند. این کار باید تا هفت روز قبل از شروع دادگاه انجام شود. قانون آیین دادرسی کیفری چین در ادامه تصریح می‌کند که اعلامیه مورد نیاز در مورد تاریخ دادرسی به وکیل متهم باید تا سه روز قبل از محاکمه تحویل داده شود. این مقررات بدان معنی است که وکیل مدافع ممکن است کمتر از هفت روز فرصت داشته باشد تا قانون را در نظر بگیرد، حقایق و همه اسناد را بررسی کند و دفاعیه را آماده نماید. یا حداقل در سه روز برای محاکمه آماده شود. این مدت کوتاه، کار وکلا برای رسیدگی به پرونده‌های پیچیده را دشوار می‌کند، بویژه مواردی که مستلزم تحقیقات جداگانه توسط وکلا هستند،<sup>۵</sup> که این امر خود

می تواند از اسباب نقض دادرسی عادلانه محسوب گردد (Roach, 1999: 673). البته در یک اعلامیه مشترک دولتی در سال ۱۹۸۱، به وکلا اجازه داده شد که در صورت نداشتن وقت کافی برای تهیه دفاعیه به دلیل پیچیدگی پرونده، دادگاه را به تعویق بیندازند.<sup>۶</sup>

در کل هدف یک سیستم دفاعی منصفانه این است که دادگاه بتواند علاوه بر اتهامات علیه متهم که توسط دادستان حرفه‌ای ارائه می‌شود، استدلالها و واقعیت‌های به نفع متهم که توسط یک وکیل ارائه می‌شود را استماع کند و به نحو کامل اسباب مشارکت وکیل در دادرسی منصفانه را فراهم نماید. با این حال، وکیل مدافع چینی باید بین وظیفه حفاظت از «حقوق و منافع قانونی» متهم با وظیفه‌ای که در قبال حکومت دارد توازن را برقرار نماید و «مطابق با واقعیتها و قانون» عمل کند.<sup>۷</sup> تاکید بر حقوق و منافع قانونی متهم و اقدام مطابق با قانون گویای آن است که نقش یک وکیل چینی کمک به دادگاه برای اعمال دقیق قانون برای پرونده به جای صرفاً تلاش برای تبرئه کردن متهمان به قیمت ضرر منافع عمومی است. کاربرد عملی این اصل منتج به مجموعه نانوخته‌ای از قواعد اخلاقی متفاوت با آنچه در کشور های دیگر رایج است، شده است. برای مثال، یک وکیل چینی بر بیگناهی متهم تاکید نمی‌کند اگر بر این باور باشد که تمام شواهد نشانگر مجرم بودن متهم است. همچنین وکلای چینی ملزمند به مراجع ذیربط هرگونه اقرار موکلشان به مشارکت در هرگونه طرح تبهکارانه یا اقدام مجرمانه قریب‌الوقوع را اطلاع دهند. که این امر خود ناشی از دیدگاه اکثریت در الگوی سیاست جنایی اقتدارگرا مبتنی بر ترجیح منافع حکومت و جامعه بر محرمانگی رابطه بین وکیل و موکل است.<sup>۸</sup>

این رویکردها و اقدامات همچنین منجر به مشکلات عملی برای وکلای چینی در اجرای وظایفشان و دفاع از منافع متهم بدون محافظه‌کاری شده است. از اینرو، وقتی مرز بین تکالیف وکیل نسبت به حکومت و وظیفه‌اش برای حفاظت از منافع قانونی متهم خیلی روشن نیست، یک وکیل ممکن است ترجیح دهد، به قیمت از دست رفتن منافع متهم، از مشکل ایجاد کردن برای خودش خودداری کرده و خود را ایمن نگه دارد، این امر می تواند یکی از موارد نقض دادرسی عادلانه در سیستم قدرتمدار چین باشد. (اسپیرو، ۱۳۹۱: ۲۲۱)

دیگر معضل وکالت در چین این است که علیرغم افزایش سریع تعداد وکلا، کمبود وکلا نیز همچنان یک مشکل اساسی است. در حال حاضر، نسبت وکلا به جمعیت چین تقریباً یک در پنجاه هزار نفر است.<sup>۹</sup> مطابق آمار رسمی چینی ها، وکلا چینی در سال ۲۰۱۷ توانستند تنها ۶.۷ درصد از پرونده های کیفری و ۲۰ درصد از پرونده های دادرسی مدنی و تجاری را به عنوان نماینده موکلان قبول نمایند. دولت چین با گسترش ورود دانشجویان به دانشکده‌های حقوق اقداماتی برای مقابله با این مسئله انجام داده است. علاوه بر این دولت چین در نظر دارد تدوین اساسنامه جدید حاکم بر وکلا و اقدامات قانونی را انجام دهد. اگرچه جزئیات اصلاحات مشخص نشده است، اما به احتمال زیاد منجر به تغییر ساختار اساسی در حرفه وکالت خواهد شد. مسئولان چینی علناً اظهار داشتند که طبق اصلاحات پیشنهادی، وکلا چینی دیگر کارمند دولت نخواهند بود و

حقوقدانان مجاز به تأسیس سندیکای مستقل خواهند بود، البته این اصلاحات به احتمال زیاد منجر به خصوصی سازی کامل رویه‌های حقوقی در چین نمی شود، اما احتمالاً دولت اجازه خواهد داد که فعالیت های خصوصی در مقیاسی کوچک وجود داشته باشد.<sup>۱۰</sup> که همین مقدار نیز با توجه به ماهیت الگوی سیاست جنایی اقتدارگرا و عدم وجود سندیکای مستقل وکالت در چین اصلاحی بزرگ محسوب می شود.

در مورد سایر کشورها نیز می توان از کره شمالی به عنوان یکی از مصادیق نظام‌های اقتدارگرای فراگیر نام برد، نظام عدالت کیفری کره شمالی از پلیس، دادگاه ها و زندان های مطابق استاندارد (آن سیستم) تشکیل شده است. از میان نهادهای مذکور، پلیس مهمترین نقش را ایفا نموده و در مقایسه با سایر اجزای نظام عدالت کیفری قدرت بیشتری دارد. پلیس می‌تواند به صورت شفاهی حسب صلاحدید خود نسبت به توقیف و بازداشت هرکسی تا یکسال بدون طی مراحل رسیدگی قضایی و حتی بدون حق دسترسی به وکیل در این مدت اقدام کند، نهاد مذکور دارای زندان‌های خاص خود نیز هست. علاوه بر این شاید بتوان مهمترین وظیفه نهاد پلیس در کره شمالی را تعقیب مجرمین سیاسی و تبیین خودسرانه جرم سیاسی دانست البته آنچنان که از ماهیت نظام های اقتدارگرای فراگیر انتظار می رود نقش وکیل نیز در جرائم سیاسی کاملاً محدود می باشد.

در کره شمالی کانون وکلای مستقل وجود ندارد زیرا حقوق کلیه وکلا توسط دولت پرداخت شده و وکلا نیز لزوماً افراد آموزش دیده و دارای پروانه وکالت نمی باشند بلکه صرفاً عضو انجمن وکلایی هستند که پرونده ها را به صورت کلی گرفته و توزیع می کنند. طبق آمارهای رسمی در سال ۲۰۱۸ حدود ۵۰۰ وکیل در کره شمالی وجود دارند که از میان آنها ۲۰۰ نفر به صورت حرفه ای وکالت می کنند و بقیه وکلای پاره وقتی هستند که دارای مشاغل دیگر مانند استادی دانشگاه یا پژوهش حقوقی می باشند.

مظنونین به ارتکاب جرم در کره شمالی به وسیله بوو بو یا پلیس که دارای مراکز توقیف خاص خود تحت عنوان گاموک<sup>۱۱</sup> (زندان) یا گوریاجانگ<sup>۱۲</sup> (بازداشتگاه) است تعیین می شوند. مراکز مذکور مراکز نگهداری مظنونانی هستند که ممکن است در آنجا پلیس اشخاص را چندین ماه بدون هرگونه ایراد اتهام قضایی، تعقیب توسط دادستان، قاضی یا دعوت از وکیل یا مداخله آنها نگهداری کند که این امر ایراد اساسی در برقراری دادرسی عادلانه محسوب می گردد و از ویژگی‌های الگوی سیاست جنایی قدرت مدار می باشد. بوو بو یا همان پلیس می تواند اقدام به بازجویی یا اعمال شکنجه مظنونان خود جهت اخذ اقرار کند، در عین حال که اقدام به اتخاذ تصمیم قضایی راجع به مجرمیت مظنونان و متهمان نیز می کند. این امر در زمانی است که فرد حق دسترسی به وکیل را ندارد.

در پرونده‌های مربوط به جرایم عادی هم مانند جرایم سیاسی وکیل هیچ اقدامی جهت دفاع از متهم انجام نمی دهد، زیرا تنها وظیفه او در محاکمه ناظر به بعد از محکومیت است آنگاه که او محکوم را آماده می کند که یکی از گزینه ها را قبول کند: (من ناراضی ام) یا (من هیچ اعتراضی ندارم). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در عمل برخورداری واقعی از وکیل مدافع در کره شمالی صورت نمی پذیرد که این خود از عوامل مخدوش کننده دادرسی عادلانه و خصایص بارز الگوی سیاست جنایی قدرت مدار محسوب می گردد.

## نتیجه گیری

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان اذعان داشت که رویکرد آزادی مدار (لیبرال) به شکلی شایسته تر تضمین کننده حق بنیادین دفاع و بهره مندی از وکیل می‌باشد، به این سبب جلوه‌های بارز نمود این رویکرد در دادگاه کیفری بین المللی و نهادهای حقوق بشری مطرح گردیده و این نهادها در چارچوب سازگاری کامل این الگو با ترافیکی بودن رسیدگی و برابری سلاح‌ها و جلوگیری از نقض حقوق شهروندی و دادرسی عادلانه در نظام‌های پلیس - امنیتی خواستار فراگیری و جهانی شدن آن می‌باشند. اما نکته مهم اینکه حتی این رویکرد نیز در برخی موارد محدود همچون جرایم سازمان یافته و تروریستی ممکن است قادر به تامین منافع شخص در مظان اتهام و بزه دیده و جامعه نبوده لذا برخی از نظام‌های سیاست جنایی در تلاش برای چاره‌جویی و یا ایجاد الگویی کارآمد در این زمینه‌ها می‌باشند. در نقطه مقابل الگوی قدرت مدار (تضییق وکیل) هیچگاه دیدگاه مثبتی نسبت به وکالت نداشته و سیاست‌های متعددی را جهت محدودسازی دسترسی به وکیل مدافع اتخاذ نموده و در سطوح ساختاری و فرایندی با زوال استقلال نهاد وکالت و گاهاً وکیل گریزی سیستماتیک و نهادینه وکیل را نه اسبابی برای برقراری دادرسی منصفانه بلکه مانعی برای حفظ امنیت جامعه دانسته است. نتیجه چنین دیدگاهی ایجاد رویکردهای تضییقی نهادینه شده توسط کنش‌گران نظام عدالت کیفری است که پیامد آن پیدایش آموزه‌های امنیت مدار و پاسخ‌های قاطع و شدید به عمل مجرمانه منجر به مخدوش شدن اصل حاکمت قانون، محدود شدن حقوق دفاعی متهم همسو با محدود شدن حقوق آئینی، تحدید اختیارات وکیل و ایجاد رویکردهای تهاجمی و افتراقی در رسیدگی می‌باشد. لازم به ذکر است اگر چه این الگو قادر خواهد بود امنیت جامعه را تا حدودی تامین نماید اما همواره مانعی در برقراری حق دفاع و دادرسی عادلانه است. مع الوصف چاره جویی در این راستا نیز ضروری به نظر می‌رسد، بنابراین آنچنان که بدان اشاره شد چالش‌ها و ابهاماتی در سطوح کلان و خرد در زمینه رویکرد حق بهره‌مندی از وکیل در الگوی سیاست جنایی اقتدارگرا وجود دارد که می‌توان جهت رفع معضلات و چالش‌های رویکرد منفعل استفاده از وکیل مدافع در عرصه فراملی و داخلی در دو سطح ساختاری و فرآیندی نکاتی را به شرح زیر بیان نمود:

به این صورت که در سطح ساختاری و کلان در عرصه فراملی به کارگیری نظارت قضایی اغلب یکی از کارآمدترین راهکارهای حمایت از جلوه‌های حقوق شهروندی به شمار می‌آید، از این جهت سیاست گذاران جنایی برخی از مناطق مانند اروپا به تاسیس نهاد نظارتی قضایی برای حمایت از حق دفاع متهمان در فرایند کیفری اقدام کرده اند اما به دلیل فقدان نهاد یادشده در تمام منطقه‌ها مانند آسیا فاقد اثر بخشی لازم در عرصه فراملی بوده، اما آنچه مشخص است این است که تاسیس نهاد نظارتی قضایی در گستره جهانی می‌تواند در حمایت از حق متهمان در فرایند کیفری نقش موثری دارا باشد. براساس این امر ایجاد یک نهاد قضایی غیروابسته مانند دیوان اروپایی حقوق بشر در گستره جهانی برای رسیدگی به شکایات شهروندان و متهمان در اموری که حق آنان نقض گردیده می‌تواند سبب بهبود دادرسی عادلانه شود. همچنین پیش بینی

ضمانت اجراهای حقوقی در عرصه جهانی نیز می‌تواند موثر باشد به این صورت که شماری از اسناد منطقه ای مانند افریقا برای نقض حق داشتن وکیل در فرایند کیفری از سوی دولت‌هایی با گرایش رویکرد قدرت مدار ضمانت اجراهای حقوقی را پیش بینی کرده اند. اما نکته درخور توجه اینکه باز هم چنین ضمانت اجرایی به سبب پیش بینی نشدن در برخی منطقه‌ها مانند آسیا فراگیر نیستند. علاوه بر این ایجاد نهادهای نظارتی جامعه محور در عرصه بین‌المللی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این نهادها طبق ماده ۷۱ منشور ملل متحد باید در جهت دفاع از آزادی و حقوق اساسی انسانی و عمل‌های بشر دوستانه انجام وظیفه کنند. به این جهت نهادهایی مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان عفو بین‌المللی و کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، از دهه پنجاه میلادی برای دفاع از حقوق اسیران، زندانیان و مجرمین سیاسی تاسیس گردیده اند اما نهاد خاصی برای نظارت بر حقوق شهروندان در عرصه کیفری وجود ندارد پس تاسیس چنین نهادی می‌تواند زمینه ساز بهبود حقوق شهروندان مبنی بر داشتن وکیل مدافع و رعایت حقوق این افراد توسط دولتها شود، که این امر از جهت نظارت بر دولت‌های اقتدارگرا اهمیت ویژه‌ای را دارا می‌باشد.

در سطح داخلی و در کشورهای تابع الگوی اقتدارگرا نیز چنانچه امکان برقراری الگوی آزادی محور و دسترسی آزادانه به وکیل برقرار نباشد می‌توان از رویکردی مختلط با جهت گیری به سمت تضمین حضور وکیل مدافع در دادرسی استفاده نمود، در این راستا جهت ایجاد رویکرد مختلط شایسته باید در سه سطح گام برداشت، به این صورت که در ابتدا در سطوح کلان و خرد موازین اساسی دفاع منصفانه را برقرار نمود، در نهایت موارد خاص و استثنایی را که سبب محدودیت برقراری حق دسترسی به وکیل می‌باشد با رعایت اصل حاکمیت قانون و صلاحدید مقام قضایی معین کرد، بنابراین در سطح کلان می‌بایست استقلال وکلا به شکلی مناسب و کارآمد تضمین گردد و در سطح خرد نیز در نظر گرفتن اصل دسترسی آزادانه به وکیل قابل‌گزینهش به عنوان نخستین قدم مطلوب خواهد بود در گام‌هایی دیگر موازینی چون لزوم اطلاع شخص متهم از حق بهره‌مندی از وکیل از ابتدای فرآیند کیفری، مشخص نمودن ضمانت اجرا برای نفی حق همراهی وکیل و یا تفهیم ننمودن آن، حق حضور پویای وکیل در جریان تحقیقات مقدماتی، امکان تعدد وکلا در اتهامات سنگین، احصاء قانونی و دقیق موارد استثنایی و محدود کننده وکیل در قانون و اعمال معیارهای قابل کنترل و عینی جهت اجرای موارد استثنایی در راستای جلوگیری از هرگونه سوء استفاده از این موارد مد نظر می‌باشد. نکته مهم در شیوه اجرایی نمودن این رویکرد می‌باشد به این صورت که در تمامی مراحل رسیدگی و در کلیه دعاوی، اصحاب دعوا حق برخورداری و دسترسی به وکیل مدافع را دارا می‌باشند و نقض این حق نیز در هر مرحله دارای ضمانت اجرا باشد و وکیل نیز باید از استقلال لازم جهت دفاع عادلانه برخوردار باشد. در عین حال در پاره‌ای از جرایم سازمان یافته و امنیتی (با احصاء مواد قانونی) چنانچه مقامات قضایی به استناد ادله متقن اعتقاد به عدم حضور وکیل جهت پیشگیری از اخلال در فرایند رسیدگی یا بروز آثاری همچون امحای ادله جرم داشته باشند قادر خواهند بود با صادر نمودن قرار از ارتباط و ملاقات وکیل و موکل جلوگیری نمایند علاوه بر این در برخی موارد دیگر و باز هم به شکل محدود و با احصاء قانونی

(همچون پرونده های دارای اطلاعات طبقه بندی) که وکیل انتخابی به استناد ادله قاطع مانند بیم افشای اطلاعات طبقه بندی شده و یا هراس از همکاری وکیل مدافع با گروه های معاند و سازمان های جنایی و .... بنا به تشخیص قاضی صلاحیت حضور در دادرسی را دارا نباشد، مقام قضایی قادر خواهد بود با صدور قرار قابل اعتراض وکیل را تایید ننماید و دستور گزینش وکیل دیگری را صادر نماید در این الگو با توجه به رعایت خصیصه هایی همچون استقلال نهاد وکالتی، احصاء قانونی موارد محدودیت، موردی بودن، مستند و متقن بودن، قابل اعتراض بودن و در نهایت پایبندی به قانون و حاکمیت آن حقوق بزه دیده، جامعه و متهم به صورت مناسب تر تضمین می گردد.





## کتابنامه

## الف. فارسی

## - کتاب

۱. جعفری لنگرودی، محمد (۱۳۹۹)، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲. خالقی، علی (۱۳۹۹)، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات گنج دانش.
۳. عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۳)، تاریخ فلسفه سیاسی غرب، عصر جدید و سده نوزدهم، انتشارات وزارت امور خارجه.
۴. اسپيرو، هربت و ديگران (۱۳۹۱)، توتالیتاریسم، ترجمه هادی نوری، نشر پردیس دانش.
۵. پولادی، کمال (۱۳۹۹)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، تهران: نشر مرکز.
۶. لوگوف، ژان پیر (۱۳۸۶)، دموکراسی پساتوتالیتزر، ترجمه کاظم ایزدی، نشر چشمه.
۷. انصاری، منصور (۱۳۷۹)، هانا آرنست و نقد فلسفه سیاسی، تهران: نشر مرکز.
۸. دلماس، مارتی (۱۳۹۸)، نظام های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، بنیاد حقوقی میزان.
۹. آنسل، مارک (۱۳۹۵)، دفاع اجتماعی، مترجمان محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات گنج دانش.
۱۰. ظهیرنژاد ارشادی، مینا (۱۳۸۱)، کره شمالی، چاپ دوم، موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
۱۱. شاپیرو، جان سالوین (۱۳۹۱)، لیبرالیسم معنا و تاریخ آن، مولف مترجم: محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: نشر مرکز.
۱۲. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۷)، روابط بین المللی نظریه ها و رویکردها، تهران: نشر سمت.
۱۳. زرشناس، شهریار (۱۳۹۲)، مبانی نظری غرب مدرن، تهران: کتاب صبح.
۱۴. بشریه، حسین (۱۳۹۹)، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
۱۵. بشریه، حسین (۱۳۹۸)، لیبرالیسم و محافظه کاری، تهران: نشر نی.
۱۶. علیزاده، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران: نشر روزنه.
۱۷. آریلاستر، آنتونی (۱۳۹۲)، لیبرالیسم غرب ظهور و سقوط، عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.
۱۸. رجبی، محمود (۱۳۹۵)، انسان شناسی، موسسه پژوهشی امام خمینی.
۱۹. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۲)، نقد مبانی سکولاریسم، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۲۰. قنبری، آیت (۱۳۸۳)، نقد بر اومانیزم و لیبرالیسم، قم: فراز اندیشه.
۲۱. بصیرنیا، غلامرضا (۱۳۸۱)، نسبت دموکراسی و مکتب های سیاسی، قم: دفتر نشر معارف.
۲۲. براتعلی پور، مهدی (۱۳۸۱)، لیبرالیسم، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.
۲۳. رودی، آندرسن (۱۳۶۷)، آشنایی با علم سیاست، ترجمه بهرام ملکوتی، تهران: انتشارات سیمرغ.
۲۴. طه، فریده، اشرافی، لیلا (۱۳۹۰)، دادرسی عادلانه، تهران: انتشارات عدالت.
۲۵. مصدق، محمد (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات جنگل.

۲۶. آشوری، محمد (۱۳۹۲)، عدالت کیفری، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۷. دلبیو نیویور، دیوید (۱۳۸۹)، نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا، ترجمه حمیدرضا فراگزلو، انتشارات مجد.

## - مقاله

۲۸. مین وو یون، (۱۳۹۰)، «درآمدی بر سیاست جنایی توتالیز جرم و مجازات در کره شمالی»، مترجم: حسین غلامی، فصل نامه مطالعات پیشگیری از جرم سال ششم شماره نوزدهم.
۲۹. ساقیان، محمد مهدی، (۱۳۹۳)، «تحولات حق متهم بر داشتن وکیل در مرحله تحت نظر در حقوق فرانسه و ایران»، مقاله ۸، دوره ۱ شماره ۱، زمستان ۱۳۹۳.
۳۰. نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۷)، «سیاست جنایی بین المللی در زمینه حق بزه دیدگان برای داشتن وکیل در فرایند کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۷، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۳۱. نیازپور، امیرحسین، (۱۳۸۶)، «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری، جلوه ای از حقوق شهروندی»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۵۸، بهار ۱۳۸۶.
۳۲. مهدوی پور، اعظم؛ نقیبی، سیدمحمد رضا، (۱۳۹۵)، «حق برخورداری متهم از وکیل مدافع در دادرسی مراجع کیفری؛ مظهری از حقوق شهروندی»، نشریه اخلاق زیستی، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۹۵.
۳۳. فناحی، مختار، (۱۳۹۷)، «ابتکارات و نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری جدید»، نشریه قانون یار، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۷.
۳۴. دارابی، شهرداد؛ نجفی توانا، علی، (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی راهبرد پیشگیری از جرم در مدل های مردم سالار و اقتدارگرای فراگیر سیاست جنایی»، نشریه حقوق تطبیقی، شماره ۱۰۵، بهار و زمستان ۱۳۹۵.
۳۵. دیباجی شیشوان، سمیرا؛ فخر، حسین، (۱۳۹۴)، «نگرشی نو به حق برخورداری از وکیل با تاکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲»، نشریه کانون وکلای دادگستری، دوره جدید، شماره ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
۳۶. آشوری، محمد؛ سپهری، روح ا...، (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، نشریه آموزه های حقوق کیفری، شماره ۶، پاییز - زمستان ۱۳۹۲.

## - رساله

۱. کاظمی جویباری، مهدی (۱۳۸۸)، «قرائت جرم شناختی موازین دادرسی عادلانه، رساله کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی»، دانشگاه شهید بهشتی.
۲. ذاکریان، مهدی (۱۳۹۳)، «تاثیرگذاران شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد بر تحول حاکمیت دولت ها به حاکمیت مسوول مورد مطالعه، ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.

## ب. لاتین

## - Books

3. Vestal, Theodore M (1999), "Ethiopia: A post-cold war African state", sociology and you
4. Cross, Noel (2020), criminal law and criminal Justice: An Introduction, SAGE publicatans Ltd, 1st edition

5. Stoughton, Corey (2009), A comparative Analysis of American and Turkish Criminal legal Aid systems, Ankara law Review, Vol.6, No.1, Summer.
6. Soo, Anneli (2015), The Right to Choose Counsel in the Pre-trial Stage of Criminal Proceedings and Consequences of its isolation, Juridica International law Review, No.23

#### -Articles

7. Kemmeleier M, Oysrman D, Heather M. (2003) Rethinking individualism and collectivism: evaluation of the oretical assumptions and meta-analyses. Psychological bulletin 128(1), 3-7.
8. Roach, kent (1999) , Four Models of criminal process, Journal of criminal law and criminology, Vol.89, No.2, Issue.2, winter

#### - Documents

46. African Declaration on Human and Peoples Rights
47. American Convention on Human Rights
48. Islamic Declaration on Human Rights
49. Convention for Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms

#### - Websites

50. Geography.about.com.china, one child policy-overview of the one vchild policy in china

#### یادداشت ها

- 1 - non capital
- 2 - self-representation

۳ - ماده ۲-۴-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه

۴ - اطلاعیه مشترک در مورد چندین بند مربوط به مشارکت وکلا در دادخواهی ها ، "منتشر شده به طور مشترک توسط دیوان عالی کشور ، دادستان عالی ، وزارت امنیت عمومی و وزارت دادگستری در ۲۰ آوریل ۱۹۸۱ ، چاپ مجدد به زبان چینی در ژوئنگگو و فاضیبائو ( سیستم حقوقی چین روزانه ) ۱۵ مه ۱۹۸۱ ، بند ۴.

۵- برخی از وکلای چینی شکایت می کنند: "طبق این مقررات ، وکیل مدافع زمان کافی برای تهیه دفاع ندارد. در بعضی موارد وکلا به دلیل کمبود وقت نمی توانند پرونده را بپذیرند و در نتیجه متهم نمی تواند حق قانونی خود را بدست آورد. در موارد دیگر، وکیل با عجله و بدون آماده سازی کافی به دادگاه می رود. از آنجا که وکیل قادر به ارائه یک دفاعیه با کیفیت نیست، از حقوق و منافع قانونی متهم به خوبی محافظت نمی شود." نظریه و عمل وکلای دادگستری، شماره ۲۲ در ۴۸. شماره ۶ در ۳۱۱

۶ - اطلاعیه مشترک درباره چندین ماده مربوط به مشارکت وکلا در دادخواهی ها، سوپرا شماره ۲۰۶ ، بند ۴.

۷ - حقوق آیین دادرسی کیفری چین، مورد ۲۳، ماده ۲۸

۸ - ژانگ سیژی و وانگ بینگ، مورد ۴۴ ماده ۲۱

۹ - با تقسیم جمعیت چینی (حدود ۱ میلیارد نفر) بر تعداد وکلا (حدود ۲۰۰۰۰ نفر) این رقم بدست آمده است.

۱۰- اولین بنگاه حقوقی خصوصی با نام خود وکیل در تاریخ ۲۲ مه ۱۹۸۸ در شانگهای تأسیس شد.

- 11 - Gamok
- 12 - Gurya Jang